

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جهادگران و کشاورزان - 14 دی / 1382

بسم الله الرحمن الرحيم

به دست‌اندرکاران امور کشاورزی کشور - چه مسؤولان و مدیران و چه کشاورزان - خوشامد عرض می‌کنیم و این میلاد مبارک (68) را هم به یکایک شما تبریک می‌گوییم. زلزله‌ی بم، بخصوص در بخش کشاورزی ما، یک حادثه‌ی تألم‌بار بود؛ چون بسیاری از برادران و خواهران خوب و مؤمن ما که از دست رفتند و یا مصیبت‌زده شدند، کسانی بودند که در کار کشاورزی و باغداری و فعالیت‌هایی از این قبیل، مشغول بودند. امیدواریم این حوادث و مصیبت‌ها برای ما عامل حرکت باشد؛ ما را از غفلت‌هایی که در امر اداره‌ی زندگی خود و مردم داشته‌ایم، خارج کند و زمینه را برای رحمت الهی فراهم نماید.

دستگاه کشاورزی برای کشور ما بسیار مهم است؛ چون امنیت غذایی برای کشور بزرگ، پُرجمعیت و دارای هدف‌های بلند، بسیار مهم است؛ لذا بخش کشاورزی و دامداری ما یک بخش ویژه و استثنایی است و همه باید برای آن تلاش کنند. در اسلام هم آگاهانه و با توجه، نسبت به کشاورزی تأکید شده است. حدیث بسیار پُرمعنا و پُرضمنونی درباره‌ی کشاورزان نقل شده است: «الزّارعون کنوز الله فی ارضه»؛ یعنی کشاورزان کسانی هستند که گنجینه‌های خدا در زیر زمین را می‌دروند و استخراج می‌کنند. مهمترین گنجینه‌ی خدا در زمین و خاک عبارت است از موادی که مایه‌ی ادامه‌ی حیات بشر و حیوانات است. این از طلا و نفت مهمتر است. طلا و نفت وسیله‌ی به‌دست آوردن مایحتاج زندگی است؛ اما محصول غذایی، مهمترین مایحتاج زندگی است. این را برای این عرض می‌کنیم که همه‌ی دست‌اندرکاران کشور و بخصوص مسؤولان وزارت جهاد کشاورزی توجه کنند - همان‌طور که از اوّل انقلاب بارها تکرار شده است - که کشاورزی یکی از اساسی‌ترین محورهای توسعه در کشور ماست؛ یک امر حاشیه‌ای نیست. توجه به صنعت - که لازم است - نباید موجب عطف توجه از کشاورزی شود. کشاورزی، پایه و زیربنا و اساس است. این کار، مقدماتی دارد؛ باید این مقدمات را طی و اجرا کرد. مسؤولان در این زمینه تلاش‌های خوبی کرده‌اند.

در نظام جمهوری اسلامی و به برکت انقلاب اسلامی، همه‌ی تلاش‌ها سرعت و کارایی مضاعفی پیدا می‌کند. آنچه انقلاب اسلامی به مردم ما داد، فرهنگ جهادی بود. فرهنگ جهادی در همه‌ی صحنه‌ها و عرصه‌ها به‌کار می‌آید و در زمینه‌ی کارهای زیربنایی کشاورزی و دامداری و امثال اینها هم از اوّل انقلاب، روح و فرهنگ جهادی وارد میدان شد. بعضی از صاحب‌نظران درباره‌ی انقلاب‌های دنیا این‌طور اظهار نظر کرده‌اند که انقلاب‌ها بعد از آن که به پیروزی رسیدند، سیّال بودن و جوشندگی و تحرّک و پیشرفت آنها از بین می‌رود و به دستگاه‌های ایستا و بی‌تحرّک تبدیل می‌شوند. ممکن است در برخی از انقلاب‌ها همین‌طور باشد - ما نسبت به آنها قضاوتی نمی‌کنیم - اما در مورد انقلاب ما پدیده‌ای دیده شد که این فرضیه را از کلیت انداخت و در این جا غلط از آب درآمد؛ زیرا خود انقلاب دستگاه‌هایی را به وجود آورد که در ذاتشان حرکت و جوشش انقلابی و سریع و جهادی وجود داشت. یکی از دستگاه‌ها جهاد سازندگی بود، یکی از دستگاه‌ها سپاه بود، یکی از دستگاه‌ها بسیج بود. اینها دستگاه‌هایی هستند که شکل اداری و ثابت و ایستا و متحرّک و منجمد نداشتند. ولو سازماندهی و تشکیلات و نظم در اینها وجود داشت، اما همان حالت حرکت، پیشرفت و جهش که در خود انقلاب موجود بود، در اینها هم وجود داشت و ما اثرش را هم در بیرون دیدیم. در دفاع هشت ساله، بسیج و تحرّک مردم را دیدید. در میدان کار و سازندگی و پیشرفت، روحیه‌ی جهادی را دیدید، که البته مخصوص جهاد سازندگی هم نماند؛ این روحیه در بسیاری از دستگاه‌ها رسوخ کرد. امروز هم شما در کمک‌رسانی به بم همین روحیه را مشاهده می‌کنید. این روحیه در همه جای دنیا نیست. مهربانی و همکاری و دلسوزی برای مصیبت‌دیدگان - که مربوط به همه‌ی بشر است - یک حرف است؛ اما جوشش و تحرک و نشاط و ورود در میدان، بدون هیچ ترتیب آداب، برای خدمت کردن، یک حرف دیگر است. آنچه در ایران دیده شد، این بود: همه وارد میدان شدند و تحرّک پیدا کردند. بنده در سالهای قبل از انقلاب، حوادثی مثل زلزله و سیل را از نزدیک دیده بودم. خود من رفتم امدادگری و خدمتگزاری کردم. این روحیه‌ی حرکت عمومی، این دلسوزی، این ورود در صحنه‌ی

کار و ابتکار، این کمک‌رسانی انبوه، مخصوص ملتی است که دل او از حرکت جهادی گرم است و جوشش جهادی در دل او وجود دارد. این همان روحیه‌ی بسیج دوران دفاع مقدس است؛ این همان روحیه‌ی سنگرزبان بی‌سنگر جهاد سازندگی است که غسل شهادت می‌کردند، روی بولدوزر می‌نشستند تا خاکریز بزنند. ما این روحیه را باید حفظ کنیم. این روحیه با کار علمی و نظم تشکیلاتی هیچ منافاتی ندارد؛ بلکه اتفاقاً کار علمی را هم همین روحیه‌ی جهادی بهتر می‌کند.

من به شما عرض کنم؛ ما پیشرفتهای علمی و پژوهشی بسیار زیادی در بخشهای مختلف داشته‌ایم که ستون اصلی این بخشها را همین جوانان انقلابی و بچه‌های مؤمن تشکیل داده‌اند. آنها بودند که وارد میدان شدند و بر اساس همان روحیه، بسیاری از گردنه‌ها و عقبه‌های تحقیقات و کار مهم علمی را پیش بردند. بله؛ معنویت، دنیای انسان را هم آبادتر می‌کند؛ منتها دنیای سالم. آن جایی که فرهنگ جهادی نیست و فرهنگ مادی حاکم است، هر انسانی به تنهایی خودش محور همه‌ی حوادث عالم است؛ سود را برای خود می‌خواهد و ضرر را از خود دفع می‌کند. اصل برای او این است؛ لذا تعارضها و بی‌اخلاقیها و بی‌صدقتیها و دشمنیها پیش می‌آید. آن جایی که حرکت و روح جهادی وجود دارد، انسان در ایمان و آرمان و خدمت به دیگران حل می‌شود و خود را فراموش می‌کند. این روحیه را باید در جامعه تقویت کرد. کشاورزی و دامداری ما هم با این روحیه رونق واقعی خود را پیدا خواهد کرد.

همان‌گونه که می‌دانید آب در کشور ما به قدر زمین نیست. معروف است که ایران کشور کم‌آبی است؛ اما اگر با عقل و تدبیر و روحیه‌ی خستگی‌ناپذیر پیش برویم، می‌شود از همین آب موجود استفاده کرد. آنها را که هرز می‌رود، مهار کنیم. آنها را درست مصرف کنیم. در مصرف آب اسراف نکنیم. با کار علمی و مدبرانه می‌شود استفاده‌ی بهینه کرد. خیلیها قبل از انقلاب به دشتهای حاصلخیز ما چشم داشتند. کسانی که از همه چیز این کشور بیگانه بودند، برای دشت قزوین و دشت مغان ما برنامه‌ریزی کرده بودند؛ ما چرا نتوانیم برنامه‌ریزی کنیم تا از این خاکهای حاصلخیز و از این زمینهای واقعاً بالاتر از قیمت مادی استفاده کنیم؟ می‌شود این کارها را کرد و باید بکنیم؛ با روح جهادی ممکن است.

بعضیها اشتباه می‌کنند که در مقابل آرمان‌گرایی، واقع‌بینی را مطرح می‌کنند. در نظر اینها واقع‌بینی نقطه‌ی مقابل آرمان‌گرایی است. این خطای بزرگی است؛ چون آرمان‌گرایی، خودش واقعیتها را در جامعه می‌سازد. یک مجموعه‌ی با آرمان و دارای هدفهای بلند می‌تواند واقعیتها را طبق آرمان خود شکل دهد و به‌وجود آورد. دنیا این‌طور پیش رفته است. آرمانها را کنار بگذاریم، به بهانه‌ی واقع‌بینی؟! این کمال غفلت است. آرمان‌گرایی به‌وجود آورنده‌ی واقعیتهای شیرین و مطلوب است. وقتی یک انسان، یک مجموعه و یک ملت با مسؤولان و دست‌اندرکارانش پای آرمانها ایستادند و حاضر نشدند کوتاه بیایند و برایش کار کردند، چه اتفاقی می‌افتد؟ واقعیتها به سمت آرمانها تغییر می‌کند. این خودش بزرگترین واقعیت و قانون زندگی است؛ چرا بعضی این را فراموش می‌کنند؟ لفظ «جهاد» در اول اسم وزارت جهاد کشاورزی معنا دارد؛ یعنی کار باید با روحیه‌ی جهادی صورت گیرد. این وزارتخانه امروز می‌تواند و می‌باید با همین روحیه وارد میدان کار شود. این کارهایی را هم که گفتند، خوب است؛ اما خیلی باید کار کرد؛ هنوز خیلی نواقص وجود دارد. بعضی از نکاتی که این کشاورز محترم در این‌جا بیان کردند - چهارده، پانزده نکته‌ی درخواستی - بسیار لازم است و باید دنبال شود و وزارت جهاد کشاورزی، دولت، مسؤولان، مجلس و دیگران، همینها را تحقق ببخشند.

یکی از اساسی‌ترین کارها این است که در باب کشاورزی و محصولات کشاورزی، سیاستها ثابت، ماندگار و پیگیری شده باشد و به مسائل تولیدکنندگان کشاورزی رسیدگی شود. این‌طور نباشد که یک سال ما به‌خاطر کمبود پیاز، پیاز وارد کنیم؛ اما سال بعد که کشاورز ما پیاز تولید کرد، این محصول در انبارها بپوسد. کشور ما مستعد است. دیدید سال گذشته بحمدالله بارندگی خوبی شد و کشور تقریباً در تولید گندم خودکفا گردید. این همان چیزی بود که من تأکید می‌کردم و بحمدالله مسؤولان، خودکفایی گندم را دنبال کردند. البته گندم یکی از مواد لازم ماست؛ در بقیه‌ی مواد لازم مثل لبنیات، روغن و گوشت هم باید کشور کاملاً خودکفا و غنی شود و بتواند این محصولات را صادر کند. ما باید این مسأله را دنبال کنیم، و این به نظر ما کاملاً ممکن است. ما دشتهای وسیع و خوبی داریم. در همین

منطقه‌ی بم دشت وسیع بسیار خوبی وجود دارد. در خوزستان دشتهای وسیع عجیبی هست که باید استحصال شود و به کار بیفتد. از لحاظ آمادگی برای کشاورزی، کشور مستعدی داریم؛ بنابراین باید همت کنیم. من به شما کشاورزان عزیز عرض می‌کنم که این کار را به عنوان یک کار سازنده، اثرگذار و یک کار مقدس دنبال کنید. ان شاءالله سیاستهای مسؤولان هم به کمک شما بیاید و همان‌طور که اشاره کردند، تولید کشاورزی، اقتصادی، سودآور و تشویق‌کننده برای سرمایه‌گذاری شود و در سایه‌ی این تحرک عظیم، مردم احساس راحتی کنند و از لحاظ غذا احساس امنیت نمایند و کشور بتواند کار خودش را انجام دهد.

مسؤولان محترم هم در وزارت جهاد کشاورزی خدمت خود را مقدس بدانند. کار آنها بسیار مهم و یکی از انسانی‌ترین کارهاست. البته خداوند متعال هم تفضل و لطف خواهد کرد. هر جا شما تلاش و مجاهدت کنید، مطمئن باشید کمک الهی بالای سرتان است. بله؛ اگر تنبلی کنیم، کنار بنشینیم، محاسبه‌ی بد بکنیم و فریب بخوریم، کمک الهی از ما گرفته خواهد شد. دیگر نباید از خدا شکایت کنیم که چرا به ما کمک نکرد؛ از خودمان باید شکایت کنیم و خودمان را باید ملامت نماییم. کسانی که تلاششان مؤثر است، اگر وارد میدان کار و تلاش شوند و از اراده و فکر و جان و جسم خودشان مایه بگذارند، حتماً کمک الهی بالای سر آنها و در اختیار آنهاست. امیدواریم خداوند متعال، تفضل خود را بر ملت و کشور ما نازل کند و دعای حضرت بقیةالله ارواحنا فداه شامل حال همه‌ی شما باشد.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

(68) میلاد با سعادت امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام)